



کارآمدی مشاوره مبتنی بر آموزه‌های دینی بر کاهش تعارضات والد - نوجوان در دختران پایه دهم خمینی شهر

صفیه ملکی خوزانی*

فاطمه جوادزاده**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی کارآمدی مشاوره مبتنی بر آموزه‌های دینی بر کاهش تعارضات والد- نوجوان در دختران پایه دهم خمینی شهر بود. این پژوهش شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری، دختران پایه دهم خمینی شهر بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند، ۳۰ دانش‌آموز انتخاب شدند و والدین این دانش‌آموزان به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند، به طوری که هر گروه شامل ۱۵ زوج از والدین بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه تعارض والد- نوجوان پرینز استفاده شد که در مرحله قبل و بعد از برگزاری جلسات مشاوره، نوجوانان دختر پایه دهم آزمون را تکمیل کردند. بسته مشاوره والدین، با استفاده از آموزه‌های دینی و با تأکید بر نظرات دو نفر از متخصصان حوزه تربیت دینی تهیه شد. داده‌های پژوهش در سطح استنباطی تحلیل شد. آزمون فرضیه‌ها با روش تحلیل کوواریانس نشان داد که مشاوره مبتنی بر آموزه‌های دینی در رابطه والد- فرزند با والدین، بر کاهش تعارضات والد- نوجوان مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: کارآمدی، آموزه‌های دینی، تعارض والد- نوجوان، والدین، نوجوانان، پایه دهم.

مقدمه

خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین کانون رشد و تربیت نوجوانان، اهمیت فوق‌العاده‌ای در شکل‌گیری و تکامل رفتاری دارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۷). این نهاد، مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی بشر بوده است. با این حال، در مواقعی دچار مشکلات و معضلاتی می‌شود که کارکرد آن در معرض تردید قرار می‌گیرد. یکی از مشکلاتی که خانواده‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند، مخالفت فرزندان با خواسته‌های والدین و بروز تعارض^۱ بین آنها در دوره نوجوانی است. تعارض یکی از جنبه‌های مهم در روابط اجتماعی انسان‌ها است که صورتی از کنش متقابل اجتماعی است. هر فردی عنصری از تعارض را در خود دارد و درگیر شدن عضوی از اجتماع در خصومت تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. تعارض نشانه مخالفت و خصومت است و هنگامی ظاهر می‌شود که افراد یا گروه‌ها اعمالی را انجام دهند یا به گونه‌ای رفتار کنند که برای دیگران تحمل‌پذیر نباشند یا به نوعی رویارویی محسوب شود (بویجنز^۲ و والکنبورگ^۳، ۲۰۰۳). بیشترین تعارضات والد - فرزندی در دوره نوجوانی فرزندان رخ می‌دهد.

نوجوانی، سنین بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی است (اختیاری، ۱۳۸۵). از عوامل خطر ساز این دوره، تعارض بین والدین و نوجوانان است. واژه «تعارض» به ناتوانی در حل تفاوت‌ها اشاره دارد و بیشتر با تنش، خصومت و پرخاشگری همراه است (ریسچ،^۴ جکسون^۵ و چانچونگ^۶، ۲۰۰۳). خانواده سالم خانواده‌ای است که میان اعضای آن، به‌ویژه والدین و فرزندان، رابطه درستی حاکم باشد. برای رسیدن به رابطه انسانی سالم، اصول و شیوه‌هایی وجود دارد که والدین باید دانایی و مهارت لازم را داشته باشند تا بتوانند بر اساس این اصول پیوند روحی و فکری با اعضای خانواده برقرار، و نقش تربیتی خود را اعمال کنند (جباری، اسماعیلی و کلاستر، ۱۳۹۳).

دوره نوجوانی با بلوغ آغاز می‌شود و با توقف رشد و تکامل عمومی به پایان می‌رسد. هر دو مرحله بلوغ و نوجوانی در یک وقت آغاز می‌شوند، اما نوجوانی حدود ۸ سال طول می‌کشد و صرفاً تغییرات بلوغ در بدن را شامل نمی‌شود بلکه رشد و تکامل در استعداد های ذهنی، اصول گرایش‌ها، روابط شخصی، رشد عاطفی، رغبت‌های شغلی و تحصیلی و توانایی‌ها و رشد و تکامل دینی و

1. conflict

2. Buijzen, M

3. Valkenburg, P. M

4. Reiesch, S. K

5. Jackson, N

6. Changchong, W

اخلاقی را نیز شامل می‌شود. دوران نوجوانی، از گذشته تا به امروز، هم از نظر نوجوانان و هم از نظر والدین، دورانی دشوار از سال‌های کودکی قلمداد شده است (کبیر ثانی، ۱۳۹۱).

از خصوصیات رفتار عمومی در دوره نوجوانی طغیان علیه والدین و محیط است. نوجوان برای اثبات وجود خود به منزله فردی مستقل، بیش از هر چیز شروع به طرد کسانی می‌کند که تاکنون آنها را می‌پرستید، یعنی خانواده و الگوهایی که از آنها تقلید می‌کرد. نوجوان به آنچه آنان دوست دارند پشت پا می‌زند و از این طریق می‌خواهد استقلال خود را نشان دهد. گاه با عصیانگری و خشونت، علیه عقاید، ارزش‌های اخلاقی و سنن آنها قد علم می‌کند. نوجوانان در این مرحله نه تنها دیگر برای والدین ارزشی بیش از آنچه شایسته آنها است قائل نیستند بلکه از آنها انتقاد هم می‌کنند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴).

در دوران نوجوانی، تنش و فقدان توافق بین اعضای خانواده افزایش می‌یابد (لارسن^۱ و ریچاردز^۲، ۱۹۹۴). همچنین، در اوایل سال‌های نوجوانی احساسات نوجوانان و والدینشان به یکدیگر بیشتر می‌شود. البته آنها بیشتر وجود عواطف منفی را در این دوران گزارش می‌دهند (کولینز^۳ و راسل^۴، ۱۹۹۱). نوجوانان از والدین خود، شکایت‌های مختلفی دارند. سبک اعمال قدرت، نظارت همه‌جانبه، خودداری از به حساب آوردن دیدگاه‌های نوجوانان، در دسترس نبودن والدین، وضع قانون در لحظه، انتظارات غیرواقعی، نپذیرفتن انتقاد، و پیش‌داوری درباره نوجوانان، موضوعاتی است که از نظر نوجوان باعث تعارض وی و والدینش می‌شود (اویسی و همکاران، ۲۰۱۰). اگر والدین و مربیان با اصول و روش‌های صحیح مواجهه با نوجوان آشنایی نداشته باشند، باعث تعارض و درگیری با او می‌شوند و نیروی نوجوان که باید در جهت سازندگی جامعه به کار گرفته شود، به نیروی مخربی علیه جامعه مبدل می‌شود. تعارض بین والدین و نوجوان یکی از عوامل مؤثری است که نوجوان را به سوی دوستی با همسالان منحرف سوق می‌دهد (بوهرلر^۵، ۲۰۰۶).

تعارض با شیوع و شدت متفاوت و در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌شود و نحوه حل و فصل آن در هر خانواده‌ای متفاوت است. در این مرحله ضروری است روابط موجود بازبینی شود و با برقراری نوع جدیدی از روابط و فعالیت‌ها، خانواده را به مرحله تعادلی تازه و متفاوت از قبل وارد

1. Larson, R

2. Richards, M. H

3. Collins, W. A

4. Russell, G

5. Buehler, C

کند. اما مدت زمان و میزان تلاشی که صرف برقراری تعادل جدید می‌شود در خانواده‌ها متفاوت است. به اعتقاد استینبرگ (۱۹۹۳)، این تفاوت ناشی از اصولی است که درون سامانه خانواده حاکم است. برخلاف عقاید رایج، بیشتر تعارضات الزاماً به نتایج منفی منجر نمی‌شود؛ حتی در موقعیت‌هایی که با تعارض شدیدی سر و کار دارند. نوجوانانی که در تعارضات باز و سازنده با والدینشان درگیر می‌شوند، بهتر قادرند به طور سازنده‌ای چنین تعارضاتی را حل کنند (نیوتون^۱ و برگون^۲، ۱۹۹۰).

مقداری تعارض بین نوجوانان و والدین طبیعی است. به هر حال، سطوح بالای تعارض به صورت مداوم ممکن است باعث ایجاد مشکلات روانی اجتماعی و سایر مشکلاتی شود که در طول نوجوانی گسترش می‌یابد. همچنین، ممکن است باعث ایجاد مشکل و نقص در پیوندهای رابطه‌ای و تبدیل به مشکلات در زندگی بعدی شود (کولینز و راسل، ۱۹۹۲).

در خصوص تعارض به وجود آمده، چنانچه راه‌های مقابله‌ای مفیدی به کار گرفته شود، به رشد رابطه کمک می‌کند، ولی چنانچه طرفین درگیر در تعارض، نحوه مواجهه صحیح را ندانند، نه تنها تعارض موجود رفع نمی‌شود بلکه به تداوم رابطه هم آسیب می‌رساند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۵). برای حل تعارض و بهبود روابط بین والدین و نوجوانان، نیاز به اقدامات پیش‌گیرانه و برنامه مداخله‌ای است که به طور مؤثر به خانواده‌ها و والدین و نوجوانان برای بهبود رابطه و کاهش مشکلات سازگاری کمک کند.

برای حل تعارض از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. از دیدگاه اسلام، یکی از خصوصیات دوره نوجوانی این است که نوجوان با والدین خود یا از در دوستی درمی‌آید یا از در دشمنی؛ این نکته ناشی از این واقعیت است که اگر پدر و مادر خصوصیات فرزند خود را در این دوره بشناسند و مسئولیت و حق مشورت و تصمیم‌گیری به او بدهند او هم در این دوره با پدر و مادر خود کاملاً دوست و رفیق خواهد بود، ولی اگر پدر و مادر غیر از این با او رفتار کنند و بخواهند مانند دوره‌های قبل همچنان بر او سلطه و حاکمیت داشته باشند و مسئولیت و حق تصمیم‌گیری لازم را به او ندهند فرزندشان با آنها دشمن خواهد بود و محیط خانواده برایشان آرام‌بخش و پُر جاذبه نخواهد بود (رهنما و همکاران، ۱۳۸۵).

1. Newton, D

2. Burgoon, J

در این دوره سنی، موضوع آموزش شیوه‌های مواجهه صحیح به والدین و مربیان مسئول بسیار مفید است. از سوی دیگر، اساس تربیت نوجوانان در خانواده شکل می‌گیرد و باید بر مبنای محبت و دوستی بین اعضای آن استوار باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «بزرگ‌ترها باید با کوچک‌ترها مهربان باشند و کوچک‌ترها باید احترام بزرگ‌ترها را نگه دارند»^۱ (قرشی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۸). رفتار والدین و محیط گرم خانواده، مؤثرترین عامل در رشد و رفتار صحیح نوجوانان و جوانان است. پدر و مادری که نتوانند فرزندان خود را خوب تربیت کنند بیش از همه خودشان دچار رنج و ناراحتی خواهند شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «رحمت الاهی بر پدر و مادری باد که فرزند خویش را در انجام‌دادن کارهای نیک و خیر یاری کنند»^۲ (نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۱۲۷).

از نظر اسلام، دوران نوجوانی اهمیت بسیار دارد. زیرا در این دوران، شخصیت فردی و اجتماعی نوجوانان پایه‌ریزی می‌شود. روش تربیتی اسلام بر این نکته تأکید می‌کند که نوجوان این دوران را با معرفت و پاکی سپری کند. زیرا در این دوران، تغییرات عمومی بدن و تأثیرات روانی، آنچنان سریع و همه‌جانبه است که او را دچار تشویش و نگرانی می‌کند و مواجهات و ارتباطاتش با اطرافیان و خانواده دچار مشکل خواهد شد. از این رو، در این زمان است که او شدیداً به محبت نیاز دارد و در پی یافتن یک نقطه اتکای روانی و روحی است و دوست دارد دیگران به شخصیتش احترام بگذارند و به او توجه کنند. اسلام به والدین و مربیان سفارش می‌کند که در هفت سال سوم زندگی مقدماتی انسان (که همان دوران بلوغ و نوجوانی است) به فرزند به عنوان شخصیتی بزرگسال بنگرند و به او اعتماد، و در کارها با وی مشورت کنند و به نظرش احترام بگذارند و به او مسئولیت بدهند تا شخصیتش شکوفا شود (مجلسی، ۱۳۸۶؛ طبرسی، ۱۳۸۸). در کنار مسئولیت و تکلیف نوجوان باید به این نکته توجه کرد که گرچه نوجوان مسئولیت‌پذیر می‌شود و تکالیف الاهی متوجه او می‌گردد ولی اگر تکالیف خود را انجام ندهد، مؤاخذه و عقاب نخواهد شد. زیرا در این زمینه اطلاعات کافی ندارد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ناآگاهی نوجوانان پذیرفته، و آگاهی و دانش آنان ناچیز است»^۳ (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶). طبق این روایت، عذر نادانی نوجوان مقبول است. زیرا علم او در نوجوانی محدود و نارسا است.

۱. «فلیعطف کبیرکم علی صغیرکم، و لیوقر صغیرکم کبیرکم».

۲. «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَيَّ بِرَهْمَا».

۳. «جهل السباب معذور علمه محفور».

پیشوایان دین علاوه بر رعایت اصول تربیت، نظارت دقیق و مداومی در تربیت فرزندانشان داشتند و می‌کوشیدند آنها را متدین، متعهد و فعال پرورش دهند. لذا همواره با آنها دوست و رفیق بودند و با کمال محبت با آنها رفتار می‌کردند و در دشواری‌ها و مشکلات یار و یاورشان بودند. پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «خداوند رحمت کند بنده‌ای که فرزندش را بر نیکی و سعادتش یاری کند، به اینکه به او احسان نماید و با او رفتار دوستانه داشته باشد و به آموزش و پرورش او بپردازد»^۱ (نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۱۶۹).

نکته مهم اینکه، از نظر آموزه‌های دینی، باید در تربیت نوجوان از خطاهای جزئی و کم‌اهمیت صرف نظر کرد و با بلندنظری و بزرگواری از کنار آن گذشت تا بتوان از خطاهای مهم‌تر با قاطعیت جلوگیری کرد. در تعلیم و تربیت اسلامی، از این روش به «تغافل» تعبیر می‌شود. یعنی چنین وانمود کنیم که اشتباهات و خطاهای او را ندیده‌ایم. یکی از آثار تغافل این است که اقتدار مربی یا والدین حفظ می‌شود. چون گاه ممکن است بر اثر تغافل نکردن قبح خطا شکسته شود و حریم والدین و مربی با فرزندان از بین برود و حتی آنان را جری‌تر کند. از این‌رو همه افراد، به‌خصوص والدین، باید بکوشند برای تربیت صحیح فرزندان از روش تغافل نیز استفاده کنند که می‌تواند منشأ اثر در افراد شود و آنها را به راه صحیح هدایت کند (باقی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۶).

برخی افراد در روند تعلیم و تربیت، از اعمال خشونت و سخنان پرخاشگرانه و مسائلی از این دست بهره می‌برند؛ در حالی که باید دقت داشت هر گاه زمینه استفاده از راهبردهای گفتاری وجود دارد نباید از تنبیه بدنی بهره برد. زیرا موجب خدشه‌دار شدن کرامت و شخصیت، سرخوردگی یا فقدان اعتماد به نفس، و عقده و کینه (راجع به کسانی که رفتار نامطلوبی با او داشته‌اند) می‌شود. بخش مهمی از پیروزی‌ها، موفقیت‌ها و احیاناً شکست‌ها و نابسامانی‌های دوره بزرگ‌سالی در کمال تربیت یا سوءتربیت دوره کودکی و نوجوانی ریشه دارد.

نتایج پژوهش لیجتن،^۲ اوربک^۳ و جانسن^۴ (۲۰۱۲) با عنوان «اثرات آموزش والدین» (برنامه گفت‌وگوی والدین و فرزندان) نشان داد ارتباط بین والدین و فرزندان، مهارت‌های حل مسئله را در

۱. «رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى يَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ التَّأَلُّفِ لَهُ وَ تَعْلِيمِهِ وَ تَأْدِيبِهِ».

2. Lejten, P

3. Overbeek, G

4. Janssens, J

موقعیت‌های تعارض بهبود می‌بخشد. در پژوهش ترنر^۱، ریچارد^۲ و سندر^۳ (۲۰۰۷) برگزاری برنامه آموزشی والدین برای تعدادی از خانواده‌های بومی استرالیا باعث رشد سازگاری و کاهش مشکلات در خانواده شد و آموزش والدین به آنها کمک کرد تا در مواجهه با فرزندان خود اقدامات مناسبی انجام دهند.

چنان‌که گفته شد، ادبیات پژوهش بیانگر تأکید اسلام بر تربیت صحیح فرزندان است و اصول راهنمایی را در اختیار انسان قرار داده است. نگاه اسلام به خانواده بر اساس حقوق متقابل زن و مرد و فرزندان تعریف می‌شود. اسلام، از جنس خاصی حمایت نمی‌کند، بلکه همه افراد متقابلاً حق و تکلیف مشخصی دارند (روح‌افزا، ۱۳۹۰). بنابراین، با توجه به اینکه ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که دین، نقش مهم و انکارناپذیری در زندگی افراد ایفا می‌کند و مفاهیم دینی، پیوند همه‌جانبه‌ای با زندگی مردم دارد و از سویی، در میان ادیان الهی، آموزه‌های اسلام، کامل‌ترین دستورها است (مطهری، ۱۳۷۵) بدیهی است به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی به عنوان اصولی مهم، می‌تواند در تمامی امور زندگی، از جمله تربیت و رفتار با نوجوان، الگوی زندگی افراد قرار بگیرد. در سال‌های اخیر، علاقه خاصی به روان‌شناسی مذهبی و معنوی به وجود آمد و تحقیقاتی در زمینه اثربخشی آموزه‌های مذهبی و دینی انجام شد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

صفورایی (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان «نقش حقوق در کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام» با هدف شناسایی حقوق اعضای خانواده بر اساس دین اسلام و نقش و تأثیر آن در کارآمدی خانواده انجام داد. نتایج نشان داد که منابع دینی برای هر یک از اعضای خانواده حقوقی را وضع، و در مقابل این حقوق، وظایفی برای طرف مقابل معین کرده است. بر اساس منابع دینی، رعایت حق و انجام دادن وظیفه توأم با هم، و تأمین‌کننده کارآمدی خانواده است. جباری، اسماعیلی و کلانتر هرمزی (۱۳۹۳) پژوهشی را تحت عنوان «تأثیر آموزش حقوق متقابل والد - فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد - فرزند در نوجوانان شهرستان گرگان» انجام دادند. نتایج نشان داد که آموزش آگاهی از حقوق والد - فرزند به والدین و فرزندان در افزایش مهارت استدلال، کاهش پرخاشگری کلامی و کاهش تعارضات فرزندان در ارتباط با والدین مؤثر بوده



1. Turner, K. M

2. Richard, M

3. Sander, M. R

است. کوپانی و تقوی (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان «بررسی اثربخشی گروه‌درمانی معنوی‌مذهبی با تأکید بر آموزه‌های اسلام بر کاهش اضطراب فراگیر دانشجویان» انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که از ظرفیت‌های معنوی‌مذهبی افراد می‌توان در جهت پیش‌گیری و درمان ناهنجاری‌های رفتاری‌شناختی استفاده کرد. نعیمی، شفیع‌آبادی و داوودآبادی (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی با تأکید بر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان» انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد مثبت‌اندیشی بر مبنای آموزه‌های دینی، موجب بهبود شاخص تاب‌آوری و تغییر نسبی در رغبت‌های شغلی تحصیلی دانش‌آموزان شده است.

فاطمی نیک، سودانی و مهربانی‌زاده هنرمند (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «اثربخشی آموزش گروهی آموزه‌های دینی بر کیفیت زندگی و مؤلفه‌های آن در زوجها» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که آموزش آموزه‌های دینی موجب بهبود کیفیت زندگی شده و نقش بسزایی در ارتقا و افزایش کیفیت زندگی زوجها دارد.

تحقیقات مختلف مانند تروینو^۱ و همکاران (۲۰۱۰)، دیوید^۲ و استافورد^۳ (۲۰۱۵)، کازوکی^۴، راب^۵، الدوساری^۶ و برادوین^۷ (۲۰۱۰)، باررا^۸، زنو^۹، بوش^{۱۰}، بابر^{۱۱} و استنلی^{۱۲} (۲۰۱۲)، ایوتزان^{۱۳}، چان^{۱۴}، گاردنر^{۱۵} و پرآشار^{۱۶} (۲۰۱۳)، سیفی‌گندمانی (۱۳۹۴)، غفوری مشهدی و حسن‌آبادی (۱۳۹۲) و بوالهیری، نظیری و زمانیان (۱۳۹۱) همگی نشان داده‌اند که مداخله‌های دینی بر کاهش مشکلات رفتاری افراد و ارتقای سلامت روانی شرکت‌کننده‌ها تأثیرگذار است.

با توجه به اهمیت دوره نوجوانی و اهمیت آموزه‌های دینی و تأکید اسلام بر تربیت فرزندان،

1. Trevino, K. M

2. David, P

3. Stafford, L

4. Koszycki, D

5. Raab, K

6. Aldosary, F

7. Bradwejn, J

8. Barrera, T. L

9. Zeno, D

10. Bush, A. L

11. Barber, C. R

12. Stanley, M. A

13. Ivtzan, I

14. Chan, C. P

15. Gardner, H. E

16. Prashar, K

ضروری است پژوهش‌هایی انجام شود تا بتوان درباره به‌کارگیری شیوه‌های مناسب فنون تربیتی و کاهش تعارضات دوران نوجوانی و یافتن راه‌حل‌های منطقی برای کاهش مشکلات دوران نوجوانی، به خانواده‌های دارای فرزند نوجوان کمک کرد. از دیگر نکات این پژوهش توجه به ضرورت آگاهی‌بخشی به والدین درباره شیوه ارتباطی‌شان با نوجوانان بوده است؛ یعنی به جای آموزش مستقیم تربیت اسلام‌محور به نوجوانان، به آموزش واسطه‌ای و بررسی اثر آن از طریق والدین پرداخته شده است.

از آنجایی که در این زمینه تاکنون نظریات غربی بیشتر استفاده شده و فرهنگ مردم کشور ما فرهنگی اسلامی است و دین اسلام نیز در همه زمینه‌ها، به‌خصوص برنامه تربیتی، بسیار کامل و جامع است، در این پژوهش کوشیده‌ایم از نظریات اسلامی و مفاهیم دینی در این زمینه استفاده کنیم. دین مقدس اسلام برترین الگوهای زندگی موفق فردی و اجتماعی را به ما می‌شناساند. تربیت مناسب نسل آینده و آموختن مهارت‌های لازم تربیت فرزند، از جمله مسائلی است که دین اسلام و ائمه علیهم‌السلام به آن توجهی ویژه دارند. مقیدشدن تربیت به آموزه‌های دینی و مذهبی، رمز دستیابی به آرامش، سعادت و کمال مطلوب در هر دو سرا است.

بنابراین، در راستای تحقق هدف مد نظر، پژوهش حاضر قصد دارد به روش تجربی، فرضیه‌های زیر را بررسی کند:

فرضیه اول: آموزش مفاهیم دینی مرتبط با رابطه با والد - فرزند به والدین بر کاهش تعارضات والد - فرزند در مادران مؤثر است.

فرضیه دوم: آموزش مفاهیم دینی مرتبط با رابطه با والد - فرزند به والدین بر کاهش تعارضات والد - فرزند در پدران مؤثر است.

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع شبه‌آزمایشی همراه با پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری شامل نوجوانان دختر پایه دهم دبیرستان‌های خمینی‌شهر بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود که با توجه به سطح آگاهی والدین از کار مشاوره و میزان همکاری احتمالی ایشان چند مدرسه مد نظر قرار گرفت و بعد از بین آنها یکی انتخاب شد که این مدرسه سه پایه دهم با ۱۰۰ دانش‌آموز داشت. آزمون



تعارض روی هر ۱۰۰ نفر اجرا شد و از بین این ۱۰۰ نفر ۳۰ دانش‌آموزی که نمره بالایی در این آزمون‌ها کسب کرده بودند انتخاب شدند و بعد به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. نیز در این نمونه‌گیری، افرادی که تک‌والدی بودند به دلیل نیاز به هر دو والد در جلسات مشاوره حذف شدند. بعد از انجام دادن این مراحل از والدین گروه آزمایش دعوت شد تا در ۸ جلسه ۲ ساعته که در راستای هدف پژوهش حاضر در این آموزشگاه تشکیل گردید شرکت کنند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه رفتار متعارض پرینز و همکاران (۱۹۷۹): پرسش‌نامه رفتار متعارض نوجوان با والدین را پرینز^۱ و همکاران در سال ۱۹۷۹ تنظیم کردند. این پرسش‌نامه در دو فرم جداگانه، یکی مخصوص مادر و دیگری مخصوص پدر است و میزان تعارض نوجوان با والدینش را می‌سنجد. پرسش‌نامه رفتار متعارض ویژه نوجوانان است و آزمودنی باید با انتخاب یکی از پاسخ‌های صحیح یا غلط، موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات مشخص کند. نمره بالاتر در این پرسش‌نامه، نشانگر تعارض بیشتر نوجوان با پدر و مادرش است. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های این پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۷۸ برآورد شد.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

روند اجرای این پژوهش چنین است که پس از تهیه و تصویب طرح پژوهش، پرسش‌نامه‌ها به تعداد ۱۰۰ عدد، به منظور انتخاب اعضای گروه آزمایش و کنترل در میان دانش‌آموزان مدارس توزیع شد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با نرم‌افزار SPSS (بررسی نمرات و میانگین کسب‌شده افراد در پرسش‌نامه تکمیل شده) تحلیل شد و آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل مشخص شدند. آنگاه از والدین آزمودنی‌های گروه آزمایش برای حضور در جلسات برنامه آموزشی دعوت شد و جلسات آموزشی برای ۱۵ پدر و ۱۵ مادر (در کل ۳۰ نفر هم‌زمان) برگزار شد. خلاصه‌ای از محتوای جلسات در جدول ۱ آمده است. پس از پایان جلسات، پس از آزمون بر روی دانش‌آموزان گروه کنترل و آزمایش انجام شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شد. برای تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل کوواریانس استفاده شد.

1. Prinz

جدول ۱. شرح جلسات مشاوره

جلسات	عنوان
جلسه اول	خوشامدگویی؛ برقراری رابطه و معرفی اعضا؛ ایجاد رابطه حسنه؛ تعیین اهداف و ابلاغ قوانین حاکم بر گروه و مطرح کردن وظایف اعضا؛ متعهد شدن به رعایت کردن قوانین گروه و شرکت فعال و انجام دادن فعالیت های واگذار شده در طول هفته.
جلسه دوم	متذکر شدن قوانین گروه؛ مشخص کردن اهداف درمانی گروه از طریق آموزش آموزه های دینی مرتبط با رابطه والد - فرزند و بحث و گفت وگویی اعضا در خصوص مشکلات موجود و اینکه انتظار اعضا از شرکت در گروه چیست؛ توضیح اولین اصل با عنوان «اصل اصلاح شرایط» و روش های تربیتی مرتبط با این اصل؛ بیان تجربیات والدین در این باره که موجب پرورش شدن جلسه و به سخن آمدن دیگر اعضا شد؛ محول کردن تکلیف: از والدین خواسته شد در موارد خود با همسر یا اطرافیان شان دقت کنند که آیا رفتاری هست که نیاز به اصلاح داشته باشد، یا موقعیتی هست که نیازمند تغییر باشد.
جلسه سوم	بررسی تکلیف جلسه قبل و نیز بررسی دستاوردهای گفت وگوهای جلسه قبل؛ گفت وگو درباره اصل آراستگی والدین و نوجوان، و اینکه این آراستگی شامل چه بخش هایی می شود (آراستگی ظاهر و آراستگی کلام)؛ استفاده از تجربیات والدین؛ در این جلسه به دلیل سبک بودن بحث درباره اصل عزت نیز سخن گفته شد و در این خصوص نیز از تجربیات افراد استفاده شد؛ محول کردن تکلیف: از والدین خواسته شد از طریق همفکری با یکدیگر بررسی کنند که آیا حوزه ای بوده است که نوجوانان می توانستند در آن حوزه به توانایی هایی دست یابند ولی آنها به این مسئله توجهی نداشته اند؛ و اینکه اصل آراستگی را، چه در ظاهر و چه در کلام، در رفتار با یکدیگر به خصوص در مواجهه با نوجوان خود به کار ببرند و نتایج را در جلسه بعد مطرح کنند.
جلسه چهارم	بررسی تکالیف هفته قبل؛ به بحث و گفت وگو گذاشتن اصل عدل و چگونگی به کارگیری آن در مواجهه با نوجوان؛ بازگرفتن تجربیات والدین حاضر در گروه و بازخورد هایی که دیگر اعضای گروه مطرح کردند؛ محول کردن تکلیف: در طی هفته آینده سعی کنند انتظاراتشان را بر اساس توانایی های نوجوان پایین بیاورند و نتیجه را برای جلسه آینده گزارش دهند؛ نیز اگر خطایی از نوجوان سر زد که مستحق مجازات بود او را به اندازه خطایی که مرتکب شده است مجازات کنند نه بیشتر.
جلسه پنجم	بررسی تکلیف جلسه گذشته؛ گفت وگو درباره اصل فضل و روش های تربیتی ناشی از آن؛ بازگرفتن تجربیات والدین حاضر در گروه و بازخورد دیگر افراد گروه؛ محول کردن تکلیف: آیا مبالغه در عفو که پدران در آن زیاده روی می کنند بر مسئله دیگری نیز تأثیر دارد؟
جلسه ششم	بررسی تکالیف جلسه گذشته؛ بحث و گفت وگو درباره اصل مسئولیت، چگونگی مسئولیت دادن به نوجوانان و مسئولیت پذیری آنها، زیر مرحله های تربیتی آن و استفاده از تجربیات والدین حاضر در گروه؛ جمع بندی؛ محول کردن تکلیف: از مادران خواسته شد تا اندازه ای، برای شروع، دختران خود را با کارهای منزل درگیر کنند. همین طور به جای نوجوان حرص و جوش درس خواندن یا نخواندن آنها را نزنند تا آنها خودشان درگیر این مسئله شوند و نتیجه را گزارش دهند.
جلسه هفتم	بررسی تکالیف هفته قبل؛ گفت وگو درباره اصل تذکر و به بحث گذاشتن زیر مجموعه های تربیتی آن، بیان تجربیات والدین حاضر در جلسه و دادن بازخورد به یکدیگر؛ محول کردن تکلیف: در رفتار با نوجوان بررسی شود که این اصل به کار گرفته شده است یا خیر؛ بیان تجربیات شخصی والدین در این زمینه.
جلسه هشتم	بررسی تکلیف هفته گذشته؛ بررسی آنچه تا به حال مشاوره داده شده و بازخوردهای اعضا به مشاوره ها و گفت وگو درباره اصل مسامحت و روش های تربیتی آن؛ جمع بندی کلی آنچه در جلسات گذشته گفته شده و یادآوری تداوم تغییرات حاصله متأثر از آموزش های جلسات پیشین و تعیین روز بعد برای برگزاری پس آزمون از نوجوانان گروه آزمایش و کنترل.

یافته ها

شاخص های توصیفی مربوط به گرایش مرکزی (میانگین و انحراف معیار) در جدول ۲ عرضه شده است. چنان که دیده می شود، میانگین تعارضات والد - نوجوان گروه پس آزمون نسبت به پیش آزمون کاهش داشته است.



جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرها

اندازه‌گیری		پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
متغیر وابسته		گروه آزمایش	گروه گواه	گروه آزمایش	گروه گواه
		میانگین انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	میانگین انحراف معیار
تعارضات والد- نوجوان (مادران)		۱۲/۰۰	۴/۲۳	۱۱/۸۷	۴/۱۶
تعارضات والد- نوجوان (پدران)		۹/۶۷	۴/۳۴	۹/۹۳	۳/۷۳

در جدول ۳، نتایج تحلیل کوواریانس در بررسی اثر مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند بر تعارضات والد - فرزند در مادران آورده شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس در بررسی اثر مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند بر تعارضات والد - فرزند در مادران

متغیر	میانگین مجذورات	F	P-value	Eta squared	Power	Beta
تعارضات والد - نوجوان (مادران)	۴۲۲/۹۸۷	۱۲۳/۴۹۴	۰/۰۰۰۱	۰/۸۲۱	۱/۰۰۰	۰/۹۲۷
آموزش	۱۷/۴۰۷	۵/۰۸۲	۰/۰۲۲	۰/۱۵۸	۰/۵۸۵	-۱/۵۲۴

چنان‌که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، اثر آموزش بر تعارضات والد - فرزند در مادران در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین، گفته می‌شود که آموزش مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند بر تعارضات والد - فرزند در مادران مؤثر است. با توجه به مقدار بتا می‌توان نتیجه گرفت که به طور میانگین تعارضات والد - فرزند در مادران گروه آزمایش ۱/۵۲۴ واحد کمتر از گروه گواه است. بنابراین، آموزش مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند بر تعارضات والد - نوجوان (مادران) تأثیرگذار است و باعث کاهش آن در افراد گروه آزمایش می‌شود. طبق نتایج جدول ۳، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

در جدول ۴، نتایج تحلیل کوواریانس در بررسی اثر مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند بر تعارضات والد - فرزند در پدران آورده شده است.

جدول شماره ۴. نتایج تحلیل کوواریانس در بررسی اثر مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند بر تعارضات والد - فرزند در پدران

متغیر	میانگین مجذورات	F	P-value	Eta squared	Power	Beta
تعارضات والد - نوجوان (پدران)	۴۲۵/۹۲۵	۱۷۹/۴۷۷	۰/۰۰۰۱	۰/۸۶۹	۱/۰۰۰	۰/۹۶۴
آموزش	۲۸/۲۷۹	۱۱/۹۱۶	۰/۰۰۲	۰/۳۰۶	۰/۹۱۴	-۱/۹۴۳

چنان‌که دیده می‌شود، اثر آموزش بر تعارضات والد - فرزند در پدران در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین، گفته می‌شود که آموزش مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند بر تعارضات والد - فرزند مؤثر است. با توجه به مقدار بتا می‌توان نتیجه گرفت که به طور میانگین تعارضات والد - فرزند در پدران گروه آزمایش ۱/۹۴۳ واحد کمتر از گروه گواه است. بنابراین، آموزش مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند بر تعارضات والد - فرزند در پدران تأثیرگذار است و باعث کاهش آن در افراد گروه آزمایش می‌شود. طبق نتایج جدول ۴، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی کارآمدی مشاوره مبتنی بر آموزه‌های دینی بر کاهش تعارضات والد - نوجوان در دختران پایه دهم خمینی شهر انجام شد. چنان‌که گذشت، نتایج بیانگر تأثیرگذاری آموزش مفاهیم دینی ارتباط والد - فرزند در کاهش تعارضات والد - فرزند، هم در مادران و هم در پدران، بوده است. این نتیجه با یافته‌های قبلی فاطمی نیک، سودانی و مهربابی‌زاده هنرمند (۱۳۹۵)، جباری، اسماعیلی و کلانتر هرمزی (۱۳۹۳) و پژوهش لیچتن، اوربک و جانسن (۲۰۱۲) همسواست.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت، در دنیای معاصر وقتی از نوجوان و خانواده سخن گفته می‌شود، تصویر خاصی در ذهن اکثر مردم تداعی می‌شود. مثلاً اینکه نوجوان بیشتر اوقات خود را با دوستان سپری می‌کند، در مقابل خواسته‌های والدین مقاومت می‌ورزد و مداخله والدین در زندگی خود را خطری برای استقلال خود می‌بیند. همچنین، می‌توان گفت در اثر ارتباط نادرست، تعارض پیش می‌آید. با وجود این، تعارض گهگاه باعث تجدید بنای اصول اساسی بین والدین و فرزندان می‌شود و گاه اعضای خانواده را به هم نزدیک‌تر می‌کند.

به منظور حل تعارض در خانواده و به خصوص بین والدین و فرزندان، روش‌های متعددی از جمله حل مسئله یا مشکل‌گشایی، مذاکره یا به عبارت بهتر مهارت‌های گفت‌وگو، به عنوان شیوه‌هایی برای حل تعارض به کار می‌رود (لطفی و رحمتی، ۱۳۸۷). تعارض‌هایی که در خانواده‌ها به وجود می‌آید ناشی از مهارت‌های ناکافی در مذاکره و گفت‌وگو بین اعضای خانواده، نداشتن توافق در قواعد و مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های ضعیف در حل مسئله، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، دریافت‌های شناختی تحریف‌شده، ضعف در توانایی درک دیگران، و نداشتن مهارت کافی در مهار خشم است (زارب، ۱۳۸۳).



متون اسلامی، در زمینه رفع تعارضات در خانواده، به روابط عاطفی والدین با فرزندان اشاره دارد و توصیه‌هایی در دو بُعد روابط کلامی و غیرکلامی به والدین کرده است تا با عمل به آنها سلامت روانی فرزندان تا حد ممکن تأمین شود. مشاوران و روان‌شناسان بر برآورده کردن نیازهای عاطفی فرزندان در خانواده بسیار تأکید دارند و جالب‌ترین توصیه آنها توجه عاطفی مثبت و بی‌قید و شرط والدین به فرزندان است که سلامت روانی‌شان را در طول زندگی آینده آنها تأمین خواهد کرد.

اولیای دین در باب روابط عاطفی والدین با فرزندان توصیه‌هایی دارند که به برخی از آنها اشاره شده است. رفتار صمیمانه و دوری از ابراز خشم و عواطف نامناسب به آنها، در آغوش کشیدن فرزند، گفت‌وگوی مهربانانه و دلسوزانه با فرزندان، نگاه مهربانانه به آنها و دست‌کشیدن بر سرشان، احترام به فرزند و با نام نیکو صدازدن و گفت‌وگوی محترمانه (مجلسی، ۱۳۸۶).

همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد، آموزش و مشاوره مبتنی بر آموزه‌های دینی در کاهش تعارض نوجوانان و والدین (پدران و مادران) تأثیر داشته است و بنا به شواهد یادشده، عرضه آموزه‌های اسلامی به والدین، در کاهش تعارض و بهبود روابط نوجوانان با والدین مؤثر است.

آموزه‌های دینی در این پژوهش بر چند اصل استوار بوده است. اصل اصلاح اوضاع و احوال، یکی از اصولی است که در جلسات درمانی به آن پرداخته شده است. با نظر به اصلاح اوضاع و احوال، از روش‌های «زمینه‌سازی»، «تغییر موقعیت» و «اسوه‌سازی» سخن گفته شده است.

حالات و اعمال آدمی در بستر اوضاع و احوال و موقعیت‌ها می‌روید و از آنها ارتزاق می‌کند. از این رو اوضاع و احوال و موقعیت‌های مختلف، حامل نیروهای بالقوه متفاوتی در شکل‌دهی حالات و اعمال انسان است. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه‌ها و اوضاع و احوال، عامل تسهیل‌کننده‌ای است که امکان شکل‌گیری‌ها و شکل‌دهی‌های مطلوب را افزایش می‌دهد. طبق این روش، باید از پیش، زمینه‌هایی را که تسهیل‌کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب است، به نحو مقتضی دگرگون کرد.

پس زمینه‌سازی، دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم‌آوردن عوامل اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را افزایش می‌دهد و دیگری ناظر به جلوگیری از زمینه‌های اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را بیشتر می‌کند (باقری، ۱۳۹۲).

دومین روش، بر اصل تأثیر زمینه‌ای بر انسان، یعنی روش «تغییر موقعیت»، مبتنی است. از آنجا که عوامل مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی مبدأ تأثیرگذاری‌های متفاوت بر انسان است، برای ایجاد حالات مطلوب در وی لازم است روابط او با عوامل مزبور را تغییر دهیم. تفاوت این

روش با روش زمینه‌سازی در آن است که زمینه‌سازی، بر امکانات بالقوه بلنددامنه در اوضاع و احوال مختلف مبتنی است؛ اما در روش حاضر، آنچه بیشتر مد نظر است، جنبه بالفعل موقعیت‌ها و تأثیرآفرینی آنها است.

از طرف دیگر، الگوگیری یکی از مؤلفه‌های اساسی روش تربیتی مسئولانه است. در دین اسلام به اهمیت نقش الگو و الگوپذیری فرزندان اشاره شده است. هر چه الگوها مناسب‌تر باشند انسان در رسیدن به کمال موفق‌تر است و می‌کوشد در همه امور خود را همانند و شبیه الگوی خویش کند. از این‌رو ترسیم الگوهای متعالی و در خور پیروی از مهم‌ترین امور تربیتی انسانی است. زیرا روش یادگیری غیرمستقیم و از طریق مشاهده، از مؤثرترین و پایدارترین انواع یادگیری‌ها است. تأثیر الگو در نقش‌پذیری انسان، طبیعی است. والدین نقش الگویی بسزایی در تربیت بازی می‌کنند، به گونه‌ای که تمام ویژگی‌های فکری و روحی و جلوه‌های رفتاری آنان تقلید می‌شود.

اصل دیگر در آموزه‌های دینی اصل عزت است. با نظر به اصل عزت، باید روش‌های تربیتی به گونه‌ای باشد که احساس عزت واقعی نفس را در فرد بار آورد و آن را از تهدید عوامل ضد عزت، مصون بدارد. هم قوت‌ها و هم ضعف‌های فرد، هر دو در احساس عزت او مدخلیت دارند. هر گاه انسان خود را توانا ببیند و دریابد که کاری از دستش برمی‌آید، احساس سربلندی و عزت خواهد کرد و هر گاه خویشتن را ناتوان بیابد و ببیند که کاری از او ساخته نیست، احساس سرافکنندگی و ذلت خواهد داشت. پس لازم است امکان بروز توانایی‌های متربی را فراهم آوریم تا باور کند که کارهایی از او ساخته است و میان آن کس که کاری از او بر نمی‌آید و آن که کارآمد و توانا است، «تفاوت از زمین تا آسمان است».

طبق اصل عدل، باید روش‌هایی در نظام تربیتی فراهم آید که مظهر برقراری رابطه توازن میان مربی و متربی باشد. درباره روش‌های مترتب بر این اصل به ترتیب زیر بحث می‌کنیم: روش تکلیف به قدر وسع، روش انذار و روش مجازات به قدر خطا. مربی در پیروی از اصل عدل، در مقام تکلیف، وسع فرد را معیار قرار می‌دهد و در مقام مجازات، انذار را مقدم می‌کند تا آن را از ظلم برکنار دارد که انذار، منطبق مجازات است و سرانجام به وقت مجازات، از قدر خطا در نمی‌گذرد (همان).

در اصل فضل، رفتار مربی در قید رفتار متربی نیست، بلکه بر پایه اصالت رحمت ابراز می‌شود. طبق این اصل، روش‌های تربیت بر فضل و رحمتی از سوی مربی مبتنی خواهد بود. به



مقتضای اصل فضل، باید در باب هر گونه تحرک مطلوب و مثبت فرد، اعم از ریز و درشت، پاسخی نشان داد؛ اما راجع به تحرک‌های نامطلوب و منفی، صرفاً باید در برخی مواقع، عکس‌العمل نشان داد.

طبق اصل مسئولیت، لازم است روش‌های تربیتی، انسان را از صورت موجودی که صرفاً با الزام‌های محیطی به این سو و آن سو کشیده می‌شود خارج کند و احساس مسئولیت او را بجنباند و از این طریق، در او تحول به وجود آورد.

طبق اصل تذکر، روش‌های تربیتی باید چنان فراهم آید که به آگاهی‌های فرد طراوت و تحرک ببخشد و رغبت عمل را برانگیزاند. در نظام تربیتی اسلام، برای این مقصود روشی پیش‌بینی شده است که از آن به «موعظه حسنه»، «یادآوری نعمت‌ها» و «عبرت‌آموزی» یاد می‌شود (باقری، ۱۳۹۲).

بازگشت به اصل مسامحت مربوط به ویژگی عمومی «ضعف» در انسان‌ها است. انسان‌ها به دلیل ضعف نفس، در قبال به دوش گرفتن تکالیف فرو می‌شکنند. این خصیصه مانع از آن است که آدمیان در برابر تکالیف دشوار تاب آورند. از این رو اصل مسامحت، قاعده عامه‌ای است که در ارتباط تربیتی باید آن را مراعات کرد.

با توجه به اصول کامل و جامع اسلام راجع به تربیت نوجوان، مشاوران می‌توانند در زمینه مشکلات ارتباطی والدین و فرزندان، به آموزه‌های اسلام راجع به حقوق متقابل اعضای خانواده، نحوه ارتباط در خانواده از نظر اسلام و نکات تربیتی از منظر اسلام مراجعه کنند. بنابراین، کلاس‌هایی در قالب دوره‌های ضمن خدمت به منظور آموزش حقوق والدین و فرزندان در اسلام به معلمان و مشاوران تشکیل شود تا از این طریق به والدین و فرزندان انتقال یابد. همچنین، با توجه به اینکه در این پژوهش، مشاوره گروهی آموزه‌های دینی در خصوص رابطه والد - فرزند بر کاهش تعارضات والدین و نوجوانان و نگرش نوجوانان به والدین تأثیر داشته است پیشنهاد می‌شود در مدارس از این جلسات گروهی برگزار شود. بهتر است مسئولین ذی‌ربط تدابیری را در نظر بگیرند تا والدین آموزش‌های لازم برای شناخت نوجوانان و مسائل و مشکلات مربوط به آنها و چگونگی رفتار صحیح را دریافت کنند.

از محدودیت‌های این پژوهش آن بود که چون در پژوهش حاضر پیگیری صورت نگرفته است، در تعمیم نتایج در طولانی‌مدت باید احتیاط کرد. این پژوهش صرفاً در خمینی‌شهر و یک آموزشگاه انجام شده و تعمیم به سایر نقاط باید با احتیاط صورت پذیرد.

در پژوهش‌های آتی، اجرای این پژوهش بر روی دانش‌آموزان دیگر مدارس راهنمایی و متوسطه شهر اصفهان و سایر شهرها پیشنهاد می‌شود. همچنین، اجرای این پژوهش علاوه بر دانش‌آموزان دختر بر روی دانش‌آموزان پسر نیز پیشنهاد می‌شود. از طرف دیگر، با تکرار این پژوهش و گسترده‌تر شدن منابع آن می‌توان بسته آموزشی کامل‌تری تدوین کرد.

منابع

اختیاری، راضیه (۱۳۸۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های شناختی-رفتاری به مادران در بهبود روابط با دختران نوجوانشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

باقری، خسرو (۱۳۹۲). نگاهی دوباره بر تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.

باقی‌زاده، رضا؛ احمدی، قاسم (۱۳۹۶). «نقش تعادل در تربیت اسلامی با محوریت سیره نبوی و علوی»، در: پژوهش‌های اخلاقی، ش ۲۹، ص ۴۳ - ۵۲.

بوالهری، جعفر؛ نظیری، قاسم؛ زمانیان، سکینه (۱۳۹۱). «اثربخشی رویکرد گروه‌درمانی معنوی بر کاهش میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مبتلا به سرطان سینه»، در: جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)، دوره سوم، ش ۱، ص ۸۵ - ۱۱۵.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۶). غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱ و ۲.

جباری، طاهره؛ اسماعیلی، معصومه؛ کلاتر هرمزی، اتوسا (۱۳۹۳). «تأثیر آموزش حقوق متقابل والد - فرزند از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بر کاهش تعارضات والد - فرزند»، در: مشاوره و روان‌درمانی، ش ۱۹، ص ۲ - ۲۴.

رحمتی، عباس؛ لطفی، بهناز (۱۳۸۷). «تأثیر آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر کاهش تعارضات والد - فرزند در دختران نوجوان شهر کرمان»، در: پژوهش‌های مشاوره، دوره هفتم، ش ۲۸، ص ۱۱۷ - ۱۳۱.

روح‌افزا، سعید (۱۳۹۰). میان ما و خدا (موضوع: بت‌پرستی، شرک، توسل، شفاعت)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

رهنما، احمد؛ زارعان، محمدجواد؛ شاملی، عباس؛ مصباح، علی؛ ساجدی، ابوالفضل؛ حقانی، ابوالحسن؛ بی‌ریا، ناصر؛ آقانهانی، مرتضی (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد، با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت، ج ۲.

زارب، ژانت م. (۱۳۸۳). ارزیابی و شناخت: رفتاردرمانی نوجوانان، ترجمه: محمد خدایاری فرد و یاسمین عابدینی، تهران: رشد.



- سینی گندمانی، محمدیاسین (۱۳۹۴). تدوین روان‌درمانگری مبتنی بر کیفیت زندگی با جهت‌گیری اسلامی و بررسی اثربخشی آن بر کیفیت زندگی، بهزیستی روان‌شناختی و بهزیستی معنوی در دانشجویان افسرده و بهنجار دانشگاه پیام نور استان چهارمحال و بختیاری، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه پیام‌نور تهران.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۷). فلسفه آموزش و پرورش، تهران: امیرکبیر.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۹). «نقش حقوق در کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، در: معرفت، س ۱۹، ش ۱۵۴ - ۶۹ - ۸۲.
- طبرسی، حسن (۱۳۸۸). مکارم الاخلاق، بیروت: مؤسسة اعلمی للمطبوعات.
- غفوری، سمانه؛ مشهدی، علی؛ حسن‌آبادی، حسین (۱۳۹۲). «اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد»، در: اصول بهداشت روانی، ش ۱۵، ص ۴۵ - ۵۷.
- فاطمی نیک، طیبیه؛ سودانی، منصور؛ مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۹۵). «اثربخشی آموزش گروهی آموزه‌های دینی بر کیفیت زندگی مؤلفه‌های آن در زوج‌ها»، در: مشاوره کاربردی، س ۲، ش ۶، ص ۷۳ - ۸۸.
- قرشی، باقر شریف (۱۳۸۵). النظام التربوی فی الاسلام، ترجمه: شاهین بدر، بی‌جا: دار الکتب الاسلامی، ج ۱.
- کبیر ثانی، س. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی مشاوره گروهی به شیوه دیالکتیک بر سازگاری بین مادران و دختران نوجوان شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، خمینی شهر: دانشگاه آزاد خمینی شهر.
- کوپانی، سمیه؛ تقوی، سید محمدرضا (۱۳۹۴). «بررسی اثربخشی گروه‌درمانی معنوی مذهبی با تأکید بر آموزه‌های اسلام بر کاهش اضطراب فراگیر دانشجویان»، در: فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش ۵ (۱۵)، ص ۱۸۳ - ۲۰۰.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۵). خانواده‌درمانی، ترجمه: حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی و همکاران، تهران: روان.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴). روان‌شناسی رشد ۲: نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، تهران: سمت، چاپ پنجم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار، تهران: مهر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در اسلام، قم: صدرا.
- نعیمی، ابراهیم؛ شفیق‌آبادی، عبدالله؛ داوودآبادی، فاطمه (۱۳۹۵). «اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی با تأکید بر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری و رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان»، در: فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ش ۲۸، ص ۱ - ۳۱.
- نوری، میرزاحسین (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲.

- Barrera, T. L.; Zeno, D.; Bush, A. L.; Barber, C. R.; Stanley, M. A. (2012). "Integration Religion and Spirituality into Treatment for Late- life Anxiety: Three Case Studies", in: *Cognitive and Behavioral Practice*, 19 (2): 58-346.
- Buijzen, M.; Valkenburg, P. M. (2003). "The Effects of Television Advertising on Materialism, Parent–Child Conflict, and Unhappiness: A Review of Research", in: *Journal of Applied Developmental Psychology*, 24 (4): 437-456.
- Buehler, C. (2006). "Parents and Peers in Relation to Early Adolescent Problem Behavior", in: *Journal of Marriage and Family*, 68: 109-125.
- Collins, W. A.; Russell, G. (1991). "Mother-Child and Father-Child Relationships in Middle Childhood and Adolescence: A Developmental Analysis", in: *Developmental Review*, 11: 99-136.
- David, P.; Stafford, L. (2015). "A Relational Approach to Religion and Spirituality in Marriage: The Role of Couple’s Religious Communication in Marital Satisfaction", in: *Journal of Family Issues*, 36 (2): 232-249.
- Ivtzan, I.; Chan, C. P.; Gardner, H. E.; Prashar, K. (2013). "Linking Religion and Spirituality with Psychological Wellbeing Examining Self-actualization Meaning in Life, and Personal Growth Initiative", in: *Journal of Religion and Health*, 52: 915-929.
- Koszycki, D.; Raab, K.; Aldosary, F.; Bradwejn, J. (2010). "A Multi Faith Spirituality Based Intervention for Generalized Anxiety Disorder: A Pilot Randomized Trial", in: *Journal of Clinical Psychology*, 66 (4): 41-430.
- Larson, R.; Richards, M. H. (1994). *Divergent Realities: The Emotional Lives of Mother, Father, Adolescent*, New York: Basic Books.
- Lejten, P.; Overbeek, G.; Janssens, J. (2012). "Effectiveness of a Parent Training Program in (Pre) Adolescence: Evidence from a Randomized Controlled Trial", in: *Journal of Adolescence*, 35: 833-842.
- Newton, D.; Burgoon, J. (1990). "The Use and Consequences of Verbal Influence Strategies



- during Interpersonal Disagreement", in: *Human Communication Research*, 16: 411-518.
- Oveisi, S.; Eftekhare Ardabili, H.; Dadds, M. R.; Majdzadeh, R.; Mohammadkhani, P., & et al. (2010). "Primary Prevention of Parent-child Conflict and Abuse in Iranian Mothers: A Randomized-controlled Trial", in: *Child Abuse & Neglect*, 34 (3): 206-213.
- Reiesch, S. K.; Jackson, N.; Changchong, W. (2003). "Communication Approach to Parent-Child Conflict: Young Adolescence to Young Adult", in: *Journal of Pediatric Nursing*, 18 (4): 244-256.
- Steinberg, L.; Lamborn, S. D.; Dornbusch, S. M.; Darling, N. (1992). "Impact of Parenting Practices on Adolescent Achievement: Authoritative Parenting, School Involvement, and Encouragement to Succeed", in: *Child Development*, 63 (5): 1266-1281.
- Trevino, K. M.; Pargament, K. I.; Cotton, S.; Leonard, A. C.; Hahn, J.; Caprini-Faigin, C. A.; Tsevat, J. (2010). "Religious Coping and Physiological, Psychological, Social, and Spiritual Outcomes in Patients with HIV/AIDS: Cross-sectional and Longitudinal Findings", in: *AIDS and Behavior*, 14 (2): 379-389.
- Turner, K. M.; Richard, M.; Sander, M. R. (2007). "Randomised Clinical Trial of Families, a Group Parent Education Programme for Australian Indigenous", in: *Journal of Pediatrics and Child Health*, 43 (6): 429-443.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

